

## بررسی فقهی بیمه

محمود مولوی

دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

با بررسی نظرات موافقان و مخالفان بیمه می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به عمومات و اطلاقات ادله موافقان و حصری نبودن عقود و عقلایی بودن عقد بیمه و اصل حاکمیت اراده یا اصل آزادی قراردادهای، عقد بیمه عقدی مستقل و صحیح بوده و با توجه به ضرورت اجتماعی و اقتصادی آن مفید و معتبر می‌باشد.

### فصل اول - کلیات

الف - تعریف بیمه: بیمه در لغت ضمانت مخصوصی است از جان و مال که مبلغی به شرکت بیمه می‌دهند و در صورت اصابت خطر بر جان و مال، شرکت بیمه مبلغ معینی می‌دهد<sup>۱</sup>. فرهنگستان ایران، بیمه را اصطلاح بانکی شمرده و در تعریف آن می‌گوید: «عملی است که اشخاص با پرداخت پول، مسؤولیت کالا یا سرمایه یا جان خود را به عهده دیگری می‌گذارند و بیمه‌کننده در هنگام زیان، باید مقدار زیان را بپردازد»<sup>۲</sup>.

در اصطلاح حقوق، بیمه به عنوان عملیاتی تعریف شده که به موجب آن یک طرف (بیمه‌گر) تعهد می‌نماید در برابر دریافت مبلغی (حق بیمه یا سهم مشارکت)،

۱- علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه، سال ۱۳۴۸، ص ۶۰۴.

۲- مسیح ایزدپناه جزوه حقوق بیمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۶۹-۶۸، ص ۲.

در صورت تحقق خطر معین (حادثه) به طرف دیگر (بیمه گذار یا ذی نفع مربوطه)، غرامت (سرمایه یا مستمری) بدهد.<sup>۱</sup>

در اصطلاح فقهی، بیمه عبارت از این است که شخص هر سال مبلغی به کسی یا به شرکتی بدون عوض داده و در ضمن شرط کند که اگر آسیبی مثلاً به تجارت خانه یا ماشین یا منزل یا خودش برسد آن شرکت یا شخص آن خسارت را جبران یا آسیب را بر طرف یا مرض را معالجه کند.<sup>۲</sup>

### ب - اصطلاحات بیمه

۱- بیمه گذار: شخص حقیقی یا حقوقی است که عواقب ناشی از خطرات معینی را نسبت به جان مال یا مسؤولیت خود در نزد بیمه گر بیمه می کند و در قبال این عمل، مبلغی به طور یک جا یا به اقساط می پردازد.

۲- بیمه گر: شخصی است که در مقابل پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر، متعهد می شود که هنگام بروز حادثه یا خطر، خسارت وارده به بیمه گذار را پردازد.

۳- حق بیمه: وجه یا وجوهی که بیمه گذار در مقابل تعهد بیمه گر نسبت به جبران خسارت احتمالی به بیمه گر می پردازد، حق بیمه نامیده می شود.

۴- مورد بیمه: مال، جان یا مسؤولیت مورد نظر را که از خطر یا حادثه ای بیمه می شود مورد بیمه می گویند.

۵- موضوع بیمه: خطر یا حادثه ای که محتملاً متوجه مال یا شخص معین می شود موضوع بیمه نام دارد.

۶- خسارت (غرامت): وجهی را که بیمه گر به هنگام بروز حادثه یا خطر به بیمه گذار می پردازد غرامت یا خسارت می گویند. در بیمه اشیاء غرامت عهده بیمه گر به نفع بیمه گذار نبایستی از ارزش مورد بیمه در زمان وقوع حادثه تجاوز نماید.

۱- روزه - یو. حقوق بیمه، ترجمه دکتر محمد حیاتی، ص ۱۱.

۲- آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم الموسوی الخویی، رساله توضیح المسائل، انتشارات

کتابفروشی اسلامیة، ص ۵۴۴.

۷- نفع بیمه‌ای: ذی نفع بودن بیمه‌گذار را در بقاء مورد بیمه، نفع بیمه‌ای می‌گویند. به عبارت دیگر هرگاه وقوع حادثه، لطمه مالی یا جانی بر بیمه‌گذار وارد نماید او در عدم تحقق خطر موضوع بیمه، ذی نفع تلقی می‌شود.

۸- فرانشیز: میزان معینی از خسارت را که بیمه‌گر از جبران آن معاف است فرانشیز می‌گویند.

هدف از تعیین فرانشیز، مراقبت بیشتر بیمه‌گذار نسبت به مورد بیمه است. فرانشیز ممکن است چند درصد مال بیمه‌شده باشد یا این که مبلغ ثابتی برای آن معین گردد.

۹- واسطه‌های بیمه: اشخاصی که عرضه عملیات مختلف مؤسسات بیمه را به عموم برعهده دارند واسطه بیمه نامیده می‌شوند. نمایندگان کل بیمه و دلالان بیمه، دسته‌های عمده واسطه‌ها را تشکیل می‌دهند. نمایندگان و دلالان بیمه از محل کارمزد پرداختی توسط شرکتهای بیمه، دستمزد دریافت می‌نمایند.

۱۰- بیمه نامه: به سندی که مندرجات عقد بیمه و شرایط مربوطه در آن نوشته می‌شود بیمه‌نامه می‌گویند. بیمه‌نامه ممکن است رسمی و یا عادی باشد، اما عملاً از بیمه‌نامه‌های عادی استفاده می‌شود. بیمه‌نامه عنصر سازنده عقد بیمه نیست بلکه دلیل اثبات آن می‌باشد.

## ج - ماهیت حقوق بیمه

بیمه از عقود مستحدثه و جدید و تأسیسی نوظهور است. علما و دانشمندان حقوق اسلام و ایران در خصوص این که عقد بیمه چه نوع عقدی است به بحث و بررسی پرداخته که ذیلاً به بیان نظرات آنان می‌پردازیم.

### ۱- بیمه عقدی است لازم

عقد لازم عقدی است که هیچ یک از طرفین جز در موارد معین حق فسخ آن را نداشته باشند و به محض انعقاد عقد، طرفین ملزم به انجام تعهدات ناشی از عقد خواهند بود. در مقابل عقد لازم، عقد جایز است که هر یک از طرفین هر وقت که خواستند می‌توانند آن را فسخ کنند.

طبق اصالة اللزوم، اصل در همه عقود لزوم است یعنی به طور کلی همه عقود

لازم هستند مگر این که دلیلی بر جایز بودن عقدی ارائه شود. ماده ۲۱۹ قانون مدنی نیز مفید همین معناست. بنابراین به استناد اصالة اللزوم یعنی اصل لازم عقود، عقد بیمه علی الاصول عقدی لازم است و حق فسخی که در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه برای بیمه گر و در ماده ۱۷ همان قانون برای ورثه یا منتقل الیه پیش بینی شده دلالت بر لازم بودن عقد بیمه دارد. نتیجه لازم بودن عقد بیمه این خواهد بود که طرفین به محض انعقاد عقد ملزم به انجام تعهدات خود باشند، بدین معنی که بیمه گذار موظف به پرداخت حق بیمه و بیمه گر ملزم به جبران خسارت وارده در صورت تحقق خطر می باشند.

بنابراین در صورتی که بیمه گذار حق بیمه خود را نپردازد بیمه گر حق دارد از طریق قضایی حق بیمه را مطالبه کند و فقط در بیمه عمر است که بیمه گذار می تواند حق بیمه را نپردازد و عقد بیمه را فسخ کند.<sup>۱</sup>

## ۲- بیمه عقدی است معوض

در عقد بیمه، بیمه گذار متعهد به پرداخت حق بیمه است و در مقابل پرداخت حق بیمه، بیمه گر متعهد می گردد که در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت نسبت به جبران آن اقدام نماید. بنابراین در عقد بیمه ما به ازای تعهد بیمه گذار، تعهد بیمه گر است.

## ۳- بیمه عقدی است غرری ولی صحیح

در عقد بیمه در هنگام امضای قرارداد، سود و زیان طرفین مشخص نیست و به وقوع حادثه احتمالی در آینده و اتفاق و شانس بستگی دارد.<sup>۲</sup> از طرفی عقودی مثل مساقات، صلح و مضاربه که احتمال غرر در آنها وجود دارد، بنابر مصالح اجتماعی و اقتصادی مورد قبول قانون گذار قرار گرفته و غرر ناشی از آنها مؤثر واقع نشده و صحیح اعلام گردیده و لذا عقد بیمه نیز مشابه این عقود بوده و صحیح می باشد.

۱- همایون مشایخی، مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران، انتشارات مدرسه عالی بیمه، ص ۲۷۷.

۲- ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، چاپ بهنشر، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۴.

باتوجه به این که در عقد بیمه، احتمال وقوع خسارت داده می شود و معلوم نیست حادثه واقع شود یا نه، همچنین زمان وقوع خسارت مشخص نیست بنابراین چنین عقدی را غرری ولی صحیح گفته اند.<sup>۱</sup>

## فصل دوم: نظرات فقهای اسلامی در مورد قرارداد بیمه

فقهای اسلامی در مورد قرارداد بیمه اظهار نظرهای متفاوتی کرده اند بعضی نظر موافق داشته اند و برخی نظر مخالف اعلام نموده اند. اینک نظر هر دسته را مورد مطالعه قرار می دهیم.

### قسمت اول: نظریه و استدلال موافقان قرارداد بیمه

به نظر این گروه بیمه از عقود مستحدثه و نوظهور است. عده ای از آنان عقد بیمه را با یکی از عقود معین فقهی و سایر عقود نامعین اسلامی مقایسه نموده اند و عده ای دیگر قرارداد بیمه را با بعضی از نهادها و اعمال حقوقی مقایسه و تطبیق کرده و یا با استناد به ادلة استنباط احکام مشروعیت قرارداد بیمه را توجیه نموده اند. عده ای نیز معتقدند که مقایسه و مطابقت قرارداد بیمه با یکی از عقود معین یا غیرمعین اسلامی لازم نیست، زیرا شارع مقدس مردم را محصور و محدود به عقود مدوّن و معین فقهی ننموده و مانع عقود مستحدثه مورد نیاز جامعه نمی باشد و بنابراین هرگونه قراردادی که بین مردم شایع بوده و رواج داشته باشد الزام و التزام چنین قراردادی واجب و لازم الاجراست، مگر این که نص صریحی بر حرمت قرارداد منعقد و وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

عده ای هم معتقدند که قرارداد بیمه نوعی تعاون و همیاری به همنوع بوده و از مصادیق «تعاونوا علی البر و التقوی» می باشد بر همین اساس تقریباً کلیه فقهای اهل سنت و امامیه بیمه های تعاونی و اجتماعی را مشروع می دانند.

مهمترین عقود معین و نامعین و همچنین اعمال حقوقی و نهادهایی که با

۱- محمد جعفر جعفری لنگرودی، تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ ۱۳۴۰، ص ۱۱.

۲- مسعود حائری، مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، سازمان انتشارات کیهان، صفحه ۴۸ تا ۵۰.

قرارداد بیمه مورد مقایسه قرار گرفته عبارتند از:

### ۱- بیمه و ضمان

عده‌ای از فقها بیمه را با عقد ضمان مقایسه نموده و در نتیجه به مشروعیت آن نظر داده‌اند. در ضمان دین که ضامن از مدیون ضمانت می‌کند، خصوصیات آن به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را با بیمه مقایسه نمود؛ اما در ضمان عین مغضوب یا غیر مغضوب که شخص ضامن عین مال می‌گردد و همچنین در ضمان عهده و ضمان درک که اگر شخصی مالی را خریداری نماید ولی از این که مال مستحق للغير باشد نگران است و شخص ثالثی ضمانت می‌نماید که اگر مال مستحق للغير درآید وی ضامن پرداخت پول آن به خریدار می‌باشد، خصوصیات بیمه دیده می‌شود.

امام خمینی (ره) اظهار نظر نموده‌اند که عقد بیمه می‌تواند یکی از شقوق ضمان بوده باشد.<sup>۱</sup>

آیت‌الله شیخ حسین حلی نیز قرارداد بیمه را قابل انطباق با عقد ضمان دانسته‌اند.<sup>۲</sup> استاد علامه شیخ محمد ابوزهره یکی از علما و حقوق دانان مصر قرارداد بیمه اتومبیل را با ضمان مقایسه کرده و آن را عقدی مشروع دانسته است. به نظر وی قرارداد بیمه اتومبیل به منظور ضمانت جبران خسارت است و اشکالی ندارد.<sup>۳</sup>

آیت‌الله سید محمد مفتی الشیعه معتقد است که بیمه بر دو نوع است: یکی آن که شخص پیمان می‌بندد که مبلغ معینی به شخص یا شرکت معینی بدون عوض بدهد و آن شخص یا شرکت در صورت ورود خسارت بر خانه یا ماشین یا تجارت‌خانه یا ... خسارت وارده بر او را جبران نماید. این قسم از بیمه را می‌توان داخل عقد ضمان کرد، و همان‌طور که ضمانت از دیون جایز است ضمانت از اعیان نیز جایز می‌باشد ولو آن‌که اعیان در نزد صاحبش باشد، پس عقد بیمه یکی از مصادیق عقد ضمان عینی است مشروط بر این‌که مضمون له مبلغ معینی را در هر سال یا هر ماه پرداخت

۱- عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، جلد ۴، ص ۲۳۶.

۲- آیت‌الله شیخ حسین حلی، بحوث فقیه، بیروت چاپ دارالزهره سال ۱۴۰۵ هـ. ق ص ۲۴.

۳- محمدالسید الدسوقی. التامین و موقف الشریعه الاسلامیه ص ۲۰.

کند. نوع دوم از بیمه آن است که جماعتی از صاحبان سرمایه صندوق تعاونی مشترک تأسیس می‌کنند و سرمایه را در نظر می‌گیرند و قرار بر این می‌شود که اگر خسارت معینی بر یکی از اعضا وارد شود، شرکای صندوق، خسارت وارده بر عضو زیان دیده را پردازند و جبران نمایند. این نوع از بیمه را علاوه بر این که می‌توان از عقود مستقله تلقی نمود و یا داخل در عقد صلح کرد، می‌شود داخل در عقد ضمان هم نمود.<sup>۱</sup>

## ۲- بیمه و جعاله

طبق تعریف ماده ۵۶۱ قانون مدنی ایران جعاله عبارت است از التزام شخص به ادای اجرتی معلوم در مقابل عملی اعم از این که طرف معین باشد یا غیر معین. بعضی از فقها معتقدند که در جعاله احتیاج به قبول نیست و صاحب شرایع جعاله را در باب ایقاعات مورد بحث قرار داده است.<sup>۲</sup> به نظر صاحب جواهر اگر جعاله را به صورت عقد هم تنظیم نمایند اشکالی ندارد.<sup>۳</sup> باتوجه به این که بیمه عقدی است که هر یک از طرفین خود را ملزم به پرداخت مالی به طرف دیگر می‌کنند عده‌ای از فقهای آن را از مصادیق جعاله دانسته‌اند. آیت‌الله سید محسن حکیم از فقهای مشهور شیعه قرارداد بیمه را در بحث مربوط به جعاله مطرح کرده‌اند.<sup>۴</sup> دکتر محمد البهی حقوق دان مصری نیز بیمه را با جعاله مقایسه نموده و عقیده دارد که بیمه شبیه قرارداد جعاله است.<sup>۵</sup>

## ۳- بیمه و صلح

عده‌ای از فقها بیمه را با عقد صلح مقایسه و تطبیق نموده و به مشروعیت آن

۱- توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان، ص ۱۳۸.

۲- محقق حلی، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات علمی، ص ۱۱۳.

۳- حسین فریار، قرارداد بیمه از دیدگاه فقه اسلامی، ص ۲۴۹.

۴- آیت‌الله سید محسن حکیم، منهاج الصادقین، ج ۲، ص ۴۲.

۵- محمد بلتاجی، عقود التامین من وجهه الفقه السلامیه، ص ۱۹۰.

نظر داده‌اند. آنان معتقدند که در عقد بیمه، طرفین در مورد حق بیمه‌ای که بیمه‌گذار می‌پردازد و مبلغی که بیمه‌گر در صورت وقوع خسارت بر عهده می‌گیرد که پرداخت کند باهم مصالحه می‌نمایند. با توجه به این که عقد صلح مبنی بر گذشت و تسامح است و معلوم بودن عوض در آن شرط نیست به همین جهت در مقایسه صلح اشکال جهل به عوض که در مورد بیمه وارد می‌شود مطرح نخواهد شد از طرف دیگر فلسفه تشریح عقد صلح در اسلام بدان جهت بوده که مردم بتوانند هر معامله یا قراردادی را که در قالب عقود معین قرار نمی‌گیرد تحت عنوان صلح انجام دهند و با توجه به همین فلسفه تشریح می‌توان عقد بیمه را که در عقود معین تعریف نشده و یکی از عقود مستحدثه است با عقد صلح مقایسه و تطبیق کرد.

آیت‌الله گلپایگانی، بیمه را منطبق با صلح دانسته و معتقدند اگر کسی مبلغی به شرکت بیمه، صلح نموده و شرط کند که در صورت ورود خسارت بر جان یا مال یا ماشین یا منزل او، شرکت بیمه نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید صحت چنین صلحی با این شرط بعید نیست و الزام‌آور می‌باشد.<sup>۱</sup>

آیت‌الله سید محمد حسن مرعشی عقد بیمه را از مصادیق صلح دانسته‌اند.<sup>۲</sup> به نظر آیت‌الله شیخ حسین حلی قرارداد بیمه با عقد صلح به شرط تحمل خسارت قابل تطبیق است و می‌توان احکام آن را در مورد بیمه نیز جاری ساخت.<sup>۳</sup>

#### ۴- بیمه و عقد حراست

عده‌ای معتقدند همان‌طور که در عقد حراست شخص مبلغی به دیگری می‌دهد تا برای او نگهداری دهد و از او مواظبت نماید و امنیت او را در قبال خطرات احتمالی به عهده گیرد در بیمه نیز چنین است، زیرا بیمه‌گذار مبلغی به بیمه‌گر می‌پردازد که با پرداخت وجه مذکور، امنیت بیمه‌گذار را در قبال حوادث و بروز خسارت عهده‌دار شود و چون عقد حراست یک عقد مشروع است و بیمه با آن تطبیق

۱- آیت‌الله محمد رضا گلپایگانی، توضیح المسائل، انتشارات دارالقرآن قم، ص ۴۸۸ مسأله ۲۸۵۵.

۲- آیت‌الله سید محمد حسن مرعشی، توضیح المسائل، انتشارات فراهانی، ص ۵۰۲، مسأله ۲۲.

۳- آیت‌الله شیخ حسین حلی، بحوث فقهیه، بیروت، دارالزهرا، ص ۳۹.



دارد لذا عقد بیمه نیز مشروع خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۵- بیمه و عقد مضاربه

بنا به تعریف ماده ۵۴۶ قانون مدنی ایران مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می دهد با قید این که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند صاحب سرمایه، «مالک» و عامل، «مضارب» نامیده می شود.

شیخ محمد عبده فقیه مشهور مصری، بیمه عمر را از مصادیق عقد مضاربه دانسته و آن را مجاز و مشروع اعلام نموده است.<sup>۲</sup> محامی جلیل قسطو یکی از حقوق دانان عرب بیمه را نوعی مضاربه دانسته است.<sup>۳</sup>

به نظر شیخ عبدالوهاب خلاف حقوق دان مصری و استاد شریعت اسلامی دانشکده حقوق قاهره، بیمه قابل مقایسه با مضاربه بوده و بیمه عمر شبیه ترین عقود به عقد مضاربه می باشد.

او معتقد است بهره ای که در بیمه عمر گرفته می شود با توجه به قاعده «سد ذرایع»<sup>۴</sup> حرام است، ولی چون فقها عقیده دارند که آنچه با توجه به قاعده مذکور حرام شده به هنگام ضرورت مباح می گردد (ما حرم سد الذریعه یباح عند الضروره) لذا بیمه که از ضروریات جامعه است تصوّر اخذ بهره در آن مشکلی به وجود نمی آورد و نوعی مضاربه شرعی است به خصوص که در آن جنبه تعاون و همیاری و

۱- سید محمد خامنه ای، بیمه در حقوق اسلام، ص ۱۴۲.

۲- عبدالرزاق السنهوری، الوسیط، جلد ۷، جزء دوم، ص ۱۰۸۷.

۳- محامی جلیل قسطو، التأمین نظریه و تطبیقا، بیروت، چاپ دارالصادق، ص ۴۵.

۴- سد به معنی جلوگیری و ذریعه به معنی وسیله است و از نظر حنبلی، و مالکیه منظور از این قاعده آن است که کارهای مباح و حلالی که موجب انجام عملی حرام می گردد تحریم شود، مانند فروش انگور برای شراب سازی؛ رک: ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ پنجم، ص ۲۴۵.

پس انداز نیز وجود دارد و کسی از آن متضرر نمی‌گردد و اکل مال به باطل هم نبوده و عملی مباح است.<sup>۱</sup>

### ۶- بیمه و عهد

برخی از فقها مشروعیت بیمه را ناشی از وجوب وفای به عهد دانسته و به کتاب و سنت استناد نموده‌اند. در مورد آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» عیاش در تفسیر خود از ابن‌سنان روایت کرده است که وی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد آیه مذکور پرسیدم، فرمودند: منظور از اوفوا بالعقود وفای به عهود (پیمانها) می‌باشد.<sup>۲</sup>

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان در تفسیر آیه شریفه «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلاً» (اسری، آیه ۳۵) می‌گوید بدون تردید هرگاه کسی در پیشگاه خداوند عهد کند که مثلاً نذر بدهد به صراحت آیه مذکور وفای به آن واجب است، زیرا این عهد نوعی سوگند می‌باشد. بنابراین هرگاه بیمه‌گذار و بیمه‌گر باهم توافق کنند که بیمه‌گذار بگوید من در پیشگاه خدا عهد می‌کنم که مثلاً ده هزار تومان یک‌جا و یا به‌طور اقساط به بیمه‌گر بپردازم که مثلاً در ایام بی‌کاری یا تصادف با اتومبیل و یا سانحه هواپیما و ورود ضرر و زیان، خسارت وارده را به من بپردازد و بیمه‌گر نیز متقابلاً بگوید که من در پیشگاه خداوند عهد می‌کنم که در صورت وقوع حادثه و ورود ضرر و زیان کلیه خسارت وارده و یا دستمزد ایام بی‌کاری را بپردازم، در این صورت طرفین باید به عهد خود وفا نمایند و با چنین عهدی می‌توان به مشروعیت قرارداد بیمه معتقد شد.<sup>۳</sup>

### ۷- بیمه و عقل

عده‌ای از فقها مشروعیت بیمه را به استناد عقل و بنای عقلا اعلام کرده‌اند.

۱- شیخ عبدالوهاب خلاف، مجله لواء الاسلام، شماره ۱۱، سال دوم، ص ۷۰۸.

۲- محمد جعفر جعفری لنگرودی، عقد ضمان، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ص ۱۰۷.

۳- موسوی عزالدین، الاسلام و قضا یا الساعة، چاپ بیروت، ص ۲۴.

در حقوق اسلامی و در فقه امامیه عقل را جزو منابع حقوق شمرده‌اند و از مجموع روایات و احادیث مربوطه می‌توان اهمیت و اعتبار و حجیت عقل را که مورد تصریح شارع قرار گرفته استنباط نمود. دلیل عقلی عبارت است از حکم عقل و محصول آن که موجب اکتشاف قاعده یا تصمیم حقوقی شود.<sup>۱</sup>

علمای اهل سنت عقل را به عنوان منبع مستقل قبول نداشته و آن را تحت عناوین استحسان و مصالح مرسله و غیاث مورد بحث قرار داده‌اند.<sup>۲</sup>

اصطلاح بنای عقلا همان سیره عقلا و منظور از آن رویه عملی خردمندان اعم از مسلمین و غیر مسلمین بوده و در صورتی دارای اعتبار است که کاشف از رضای شارع باشد که در این صورت یکی از منابع فقه محسوب می‌گردد و محققان و صاحب‌نظران مذاهب اسلامی نیز این مطلب را قبول دارند و استدلال می‌نمایند که هرگاه عقلا از آن جهت که عاقل و خردمند هستند بر هر موضوعی متفق‌الرأی می‌گردند این بدان معنی است که در آن هیچ‌گونه شائبه‌ای از انگیزه‌های غیر عقلایی وجود ندارد و در این مورد نسبت به نظر شرع نیز اطمینان حاصل می‌گردد، زیرا شارع مقدس نیز جزو عقلا می‌باشد و به همین جهت قاعده تلازم بین شرع و عقل (ماحکم به العقل حکم به الشرع) را از آن استنتاج نموده‌اند.<sup>۳</sup>

امام خمینی (ره) به لحاظ این که قرارداد بیمه عقلایی است آن را عقد صحیح و شرعی دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از فقهای معاصر نیز بیمه‌های تجارتي و ساختمانی و اتومبیل و هواپیما و بیمه عمر و کارمندان و کارگران و مانند آنها را که در عرف عقلا معمول است صحیح می‌دانند.<sup>۵</sup> آیت‌الله شهید مطهری در مورد بیمه

۱- محمد جعفر جعفری لنگرودی، مکتبهای حقوقی در حقوق اسلام، ص ۱۲۳.

۲- سید مصطفی محقق داماد، مباحثی از اصول فقه، دفتر دوم، چاپ ۱۳۶۳، ص ۱۰۸.

۳- محمد حسن مرعشی، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله حقوقی دادگستری سال اول، شماره اول، ص ۱۳.

۴- عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، جلد ۴ ص ۲۰.

۵- ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، قم، انتشارات هدف، ص ۵۰۰، مسأله ۲۴۳۸.

معتقدند که اگر عقلاً چنین معامله‌ای را اختراع کرده باشند که در مقابل تعهد بیمه‌گر برای تأمین بیمه‌گذار پولی پرداخت شود، چون تعهد امر شخصی است این معامله با هیچ‌یک از موانعی که در کتب فقهی نوشته شده است برخورد پیدا نخواهد کرد و چنین معامله‌ای صحیح خواهد بود.<sup>۱</sup>

### قسمت دوم: نظریه و استدلال مخالفان قرارداد بیمه

گروهی از فقها معتقدند در صورتی که قراردادی دارای شرایط صحت عقود باشد عقد است، اعم از این‌که چنین قراردادی در صدر اسلام وجود داشته یا بعداً به وجود آمده باشد و اگرچه بیمه از انواع عقود مستحذته و نوظهور است لیکن با توجه با این‌که حایز شرایط صحت عقود نمی‌باشد و در بین عقود معین، مشابهی ندارد لذا به لحاظ عدم انطباق بیمه با یکی از عقود شناخته شده در فقه اسلامی، قرارداد مذکور غیر شرعی و مطلقاً حرام است.<sup>۲</sup>

گروه دیگری از فقها عقیده دارند چون در قرارداد بیمه، احتمال جهل به عوضین و تعلیق و غرر و ربا وجود دارد و یا این‌که قرارداد مذکور، «معامله بر معدوم» و «اکل مال بباطل» و «استیفاء بلاجهت» و «مبارزه با قضا و قدر و مشیت الهی» و «التزام مالایلزم و ضمان مالم یجب» و نوعی قمار و شرط‌بندی و عقد سفهی می‌باشد و اجماع فقها آن را غیر مشروع دانسته‌اند، لذا چنین قراردادی فاقد مشروعیت بوده و باطل است.<sup>۳</sup>

### مهمترین دلایل مخالفان بیمه عبارتند از:

#### ۱- جهل به عوضین در عقد بیمه

معلوم بودن موضوع تعهدات طرفین عقد از جمله شرایط صحت عقد است؛

۱- مرتضی مطهری، بررسی فقهی مسأله بیمه، ص ۲۸.

۲- محمد احمد فرج السنهوری، التأمینات، قاهره، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۹۷۲، قاهره، ص ۳۵.

۳- سید عبدالمطلب، عبده؛ التأمین علی الحیاه، قاهره، دارالکتب الجامعی سید محمود و شرکاء،

به عبارت دیگر عوضین در زمان انعقاد عقد باید معلوم باشد و باتوجه به این که در عقد بیمه، عوضین معلوم نیست زیرا از یک طرف بیمه گذار نمی داند در قبال اقساطی که می پردازد چه مبلغی خسارت خواهد گرفت و حتی ممکن است حادثه مورد نظر اتفاق نیفتد و خسارتی نیز وارد نشود که در این صورت بیمه گر وجهی نخواهد پرداخت و از طرف دیگر بیمه گر نیز نمی داند تا وقوع حادثه و ورود خسارت چه مبلغی دریافت خواهد کرد؛ لذا به لحاظ مجهول بودن عوض یا عوضین در زمان انعقاد عقد چنین قراردادی باطل می باشد.<sup>۱</sup>

به نظر بعضی از فقهای معاصر باتوجه به حدیث (نهی النبی عن بیع الغرر) این ممنوعیت فقط شامل بیع بوده و هیچ گونه دلیلی مبنی بر این که قاعده مذکور شامل کلیه عقود شود ارائه نشده است؛ بنابراین وجود جهل در بیمه، اشکالی در مشروعیت آن وارد نخواهد نمود.<sup>۲</sup>

یکی از فقهای معروف مالکی به نام محمد بن الحسن الحجوی معتقد است که حدیث غرر مخصوص بیع است و چون بیمه، بیع نیست لذا وجود جهل و غرر اشکالی به آن وارد نمی کند.<sup>۳</sup> عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام حدیثی را به این مضمون نقل نموده است:

دو نفر که هریک مقداری گندم در نزد دیگری داشتند و مقدار آن را نمی دانستند به همدیگر گفتند که آنچه از مال من نزد تو هست از آن تو باشد و آنچه از مال تو نزد من است مال من باشد؛ آیا چنین معامله ای صحیح است؟ و امام در پاسخ فرمود: در صورت تراضی صحیح است.<sup>۴</sup> این حدیث هر چند در مورد صلح است ولی می توان نتیجه گرفت که در جهل به عوضین همیشه ایجاد اشکال شرعی نمی کند و لذا قرارداد بیمه نیز می تواند این چنین باشد.

از سوی دیگر عده ای از فقها نظر داده اند که هدف بیمه گذار تأمین و امنیت

۱- عیسی عبده، التأمین الاصلی البدیل، دار البحوث العلمیه ۱۳۹۲ هـ. ق، ص ۹.

۲- آیت الله سید صادق روحانی، المسائل المستحدثه، قم، دارالفکر، ص ۷۶.

۳- محمد السید الدسوقی، التأمین و موقف الشرعیه الاسلامیه منه، دار التحریر للطبع والنشر، ۱۳۸۷ هـ. ق.

۴- ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (مشارکتها، صلح و عطایا)، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳، ص ۳۱۳.

است و اگر ماهیت بیمه به دست آوردن تأمین از خسارت و حصول امنیت و آرامش خاطر باشد، در این صورت عوضین معلوم است. بنابراین شخصی که جان یا مال خود را در خطر می بیند به قصد تحصیل تأمین و امنیت خاطر به بیمه گر مراجعه می کند و با وجود این که حق بیمه می پردازد مایل نیست که حادثه ای واقع شود و خسارت وارد گردد، در نتیجه بیمه گذار با انعقاد قرارداد بیمه در صدد دریافت خسارت نیست بلکه او در پی به دست آوردن تأمین و آرامش کامل می باشد و لذا با پرداخت حق بیمه، تأمین و امنیت مورد نظر خود را به دست می آورد و آنچه در قبال پرداخت حق بیمه به بیمه گذار داده می شود، نفس تأمین و آرامش و امنیت است.<sup>۱</sup>

استاد شهید مرتضی مطهری معتقد است: ماهیت بیمه همان مسأله تأمین و اطمینان قلب است و معامله ای نیست که یک طرف آن مجهول باشد. تعهدی هم که بیمه گر به بیمه گذار می دهد از نظر عقلا، دارای ارزش می باشد و بنابراین مسأله مجهول بودن عوض (جهل به عوضین) در قرارداد بیمه منتفی است.<sup>۲</sup>

آنچه از جمع نظرات فقها به دست می آید رد اشکال مخالفان در خصوص جهل به عوضین است.

## ۲- تعلیق در عقد بیمه

مخالفان عقد بیمه معتقدند که عقد باید منجز باشد، ولی بیمه عقدی معلق است، زیرا تعهد بیمه گر به پرداخت خسارت، موکول به حدوث خطر و ایجاد خسارت می باشد و حادثه مورد نظر ممکن است اتفاق بیفتد یا نیفتد و لذا به لحاظ وجود تعلیق در آن، باطل می باشد.

این گروه معتقدند که انشاء به منزله ایجاد است و ایجاد معلق، معقول نیست؛ به علاوه تعلیق بر خلاف مقتضای عقد است و چون مقتضای عقد، به وجود آمدن حق و تعهد است که به مجرد انشاء حاصل می شود، موکول نمودن حق و تعهد مذکور به امر دیگر برخلاف مقتضای عقد بوده و موجب بطلان آن خواهد بود، این گروه بر

۱- السائل المستعده، همان، ص ۷۴.

۲- مرتضی مطهری، بررسی فقهی مسأله بیمه، ص ۲۷.

بطلان عقد معلق ادعای اجماع نیز نموده‌اند.<sup>۱</sup>

در پاسخ این ایراد می‌توان گفت: اولاً قدر متیقن از اجماع مورد ادعا در خصوص بیع است و دیگر عقود از جمله بیمه را شامل نمی‌شود. ثانیاً بر فرض که تعلیق، عقد را باطل کند این بطلان در عقودی است که ذاتاً قابلیت تعلیق نداشته باشد، مانند عقد نکاح، زیرا بطلان نکاح معلق به لحاظ اهمیت خاص آن و جازم بودن طرفین در تشکیل خانواده و تحکیم و بنیان آن می‌باشد ولی در عقودی که ذاتاً معلق است مانند وصیت و یاسبق و رمایه، تعلیق، زبانی به صحت آنها نمی‌رساند و عقد بیمه نیز می‌تواند از قبیل همین عقود باشد.<sup>۲</sup> ثالثاً در قرارداد بیمه تعهد که منشأ است معلق نمی‌باشد بلکه آنچه که معلق است جبران خسارت است.

در مواد ۱۸۴ و ۱۸۹ قانون مدنی عقد معلق یکی از انواع عقود شمرده شده و دلیلی بر بطلان آن ارائه نشده است. همچنین شرایط صحت معاملات در ماده ۱۹۰ قانون مذکور تصریح شده و اگر بنا بود که منجز بودن عقود از شرایط صحت باشد در ماده فوق‌الذکر تصریح می‌شد، ماده ۷۲۳ قانون مدنی مقرر داشته: «ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی به تادیبه دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق به التزام باطل نیست مثل این که کسی التزام خود را به تادیبه دین مدیون معلق به عدم تادیبه او نماید» در این ماده صحت تعهد معلق تصریح شده است.

اگرچه مشهور فقها عقد معلق را باطل می‌دانند لکن این نظر اجماعی نیست و برخی چون شیخ انصاری و مرحوم نائینی قائل به صحت تعلیق در منشأ هستند.

بنابراین در عقد بیمه که تعهد مشخص است و فقط انجام آن معلق بر وقوع حادثه و ایراد خسارت است و دلیلی بر بطلان عقد مذکور وجود ندارد تعلیق در آن اشکال نداشته و ایراد تعلیق در عقد بیمه به صحت آن اشکال وارد نمی‌کند.

۱- سید حسین امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ اسلامی، ۱۳۴۷، ص ۱۶۷.

۲- ابوالقاسم گرگی، تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی، بخش سوم قراردادهای بیمه،

نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره اول ۱۳۵۵، ص ۱۴۶.

### ۳- بیمه و التزام ما لا یلزم و ضمان مالم یجب

به عقیده بعضی از فقها، بیمه «التزام ما لا یلزم» است که تحت عناوین «لزوم مایلزم» و «ضمان مالم یجب» ذکر کرده‌اند. التزام در لغت به معنی ملزم شدن است و منظور از اصطلاح «التزام ما لا یلزم» آن است که تعهد به انجام چیزی شود که هنوز تحقق نیافته است. آنان معتقدند که چون عقد بیمه «الزام ما لا یلزم» بوده و الزام و تعهدی ایجاد می‌کند که بیمه‌گر شرعاً ملزم به انجام آن نیست و به عبارت دیگر بیمه‌گر بدون آن که حادثه‌ای را به وجود آورد و یا سبب وقوع حادثه‌ای گردد به محض انعقاد قرارداد و پرداخت اقساط از ناحیه بیمه‌گذار ضامن خسارت وارده می‌شود و وجوه پرداختی را نیز به بیمه‌گذار نمی‌بخشد علی‌هذا قرارداد بیمه حرام است<sup>۱</sup>. محمدبن عبدالعزیز بن عابدین دمشقی معروف به ابن عابدین از فقهای حنفی معتقد است چون سوکره (بیمه) التزام ما لا یلزم است، علی‌هذا ضمان آور نبوده و سبب شرعی بر مطالبه بدل مال تلف شده در آن وجود ندارد و در نتیجه چنین عقدی فاسد است و تعهد شرکت بیمه به پرداخت مبلغ معین به بیمه‌گذار و یا شخص ثالثی که از این قرارداد سود می‌برد فاقد مشروعیت است<sup>۲</sup>.

در مورد اصطلاح «ضمان مالم یجب» گفته شده که به معنی «ضمان مالم یقع» می‌باشد یعنی ضامن شدن از تعهدی که هنوز به وجود نیامده است؛ مثلاً اگر شخصی به دیگری بگوید: چنانچه فرزندم وامی از وی دریافت دارد او ضامن است، چنین ضمانتی را مالم یجب گفته‌اند که باطل است چون ضمان مذکور تعهد به مالی است که هنوز بر ذمه شخص مستقر نشده است. بنابراین چون دین تعهد اصلی و ضمان، تعهد تبعی است ممکن نیست که وقتی دینی به وجود نیامده، ذمه ضامن مشغول گردد. ماده ۶۹۱ قانون مدنی نیز در این مورد مقرر داشته: «ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است» عده‌ای از فقها معتقدند که ضمان تعهد تبعی است و سبب

۱- مجله دکفرانس فقه اسلامی، چاپخانه رابط العالم الاسلامیه، ۱۴۰۷ هـ. ق، ص ۶۴۵.

۲- محمد السید الدسوقی: التأمین و موقف الشریعه، بیروت، دارالتحریر طبع و النشر، ۱۳۸۷ هـ. ق،



می‌شود که دین به ذمه ضامن منتقل گردد و یا ذمه ضامن وثیقه آن قرار گیرد و امکان ندارد دینی که هنوز به وجود نیامده است منتقل گردد و یا وثیقه‌ای برای آن داده شود.<sup>۱</sup> مخالفان بیمه معتقدند که بیمه از مصادیق التزام مالایلم و مالم یجب و بنابراین باطل است. در پاسخ این ایراد، موافقان بیمه معتقدند کسانی که بیمه را از مصادیق التزام مالایلم می‌دانند از مبادی و اصول بیمه اطلاع کافی ندارند، زیرا که اساس بیمه مبنی بر مشارکت دسته جمعی و تحمل خساراتی است که بر یکی از بیمه‌شدگان وارد شده است، خساراتی که فرد زیان دیده به تنهایی قادر به تحمل آن نیست و بیمه به هر شکلی که بوده باشد نحوه عمل آن بدین ترتیب است که خسارت وارده به یکی از بیمه‌گذاران را از محل پرداخت اقساط سایر بیمه‌گذاران می‌پردازد و این نوعی تضامن است. شرکت بیمه نیز نقش واسطه بین بیمه‌گذاران را دارد. ضمناً مجوزی بر این‌که بیمه‌گذار را در هنگام ورود خسارت از دریافت مبلغی اضافه بر حق بیمه محروم نماییم در دست نداریم.<sup>۲</sup>

در مورد ایراد ضمان مالم یجب در بیمه نیز بعضی از حقوق‌دانان معتقدند که بیمه از مصادیق ضمان مالم یجب نیست و این استدلال که در حال ضمان سبب آن یعنی غرق و سوختن و سرقت و تلف و امثال آن وجود ندارد تا ضمان مالم یجب تحقق پذیرد، درست نیست زیرا اولاً دلیل درستی بر بطلان ضمان مالم یجب وجود ندارد، ثانیاً در صورتی بیمه از مصادیق ضمان مالم یجب خواهد بود که بیمه‌گر انشاء تعهد فعلی نسبت به جبران شیء پس از غرق، آتش‌سوزی و غیره را بنماید، ولی چنانچه انشاء تعهد بعدی یعنی تعهد پس از غرق و سرقت و غیره کرده باشد در این صورت تعهد بیمه‌گر به ضمان مالم یجب وجود ندارد، ثانیاً در صورتی بیمه از مصادیق ضمان مالم یجب خواهد بود که بیمه‌گر انشاء تعهد فعلی نسبت به جبران شیء پس از غرق، آتش‌سوزی و غیره را بنماید ولی چنانچه انشاء تعهد بعدی یعنی تعهد پس از غرق و سرقت و غیره کرده باشد در این صورت تعهد بیمه‌گر به هیچ‌وجه

۱- میرزای قمی، جامع‌الشتات، انتشارات رضوان، چاپ اول، ص ۲۰۷.

۲- سید عبدالمطلب عبده، التأمین علی‌الحیات، قاهره، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

مصدقاً ضمان مالم يجب را پیدا نخواهد کرد<sup>۱</sup>.  
بنابراین عقد بیمه صحیح بوده و از مصادیق التزام مالایلم و ضمان مالم يجب نمی‌باشد.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف - منابع فارسی

- ۱- لغت‌نامه دهخدا - علی اکبر دهخدا، چاپ سازمان لغت‌نامه دهخدا - وابسته به دانشگاه تهران.
- ۲- جزوه حقوق بیمه، دکتر مسیح ایزدپناه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- مبانی و اصول حقوق بیمه، دکتر همایون مشایخی، انتشارات مدرسه عالی بیمه، تهران، ۱۳۴۸.
- ۴- تأثیر اراده در حقوق مدنی، دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی رساله دکتری، چاپ ۱۳۴۰ شمسی.
- ۵- حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، دکتر ناصر کاتوزیان، انتشارات بهنشر.
- ۶- مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، مسعود حائری، سازمان انتشارات کیهان، چاپ ۱۳۷۰.
- ۷- رساله نوین، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ترجمه و توضیح تحریرالوسیله، امام خمینی (ره)، مؤسسه انجام.
- ۸- قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، توفیق عرفانی، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
- ۹- قرارداد بیمه از دیدگاه فقه اسلامی، دکتر حسین فریار، پایان‌نامه دوره دکتری فقه و مبانی اسلامی ۱۳۵۵.
- ۱۰- توضیح المسائل، حضرت آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی، قم، چاپ ۶۲، انتشارات دارالعلم قرآن کریم.

۱- ابوالقاسم گرجی، تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، ۱۳۵۵، ص ۱۴۷.

- ۱۱- توضیح المسائل، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم الموسوی النخوی، چاپ ۱۳۹۴ هـ. ق.
- ۱۲- توضیح المسائل، حضرت آیت الله سید محمد حسن مرعشی، انتشارات فراهانی، چاپ ۴۹.
- ۱۳- بیمه در حقوق اسلامی، سید محمد خامنه ای، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۱۴- مبانی استنباط حقوق اسلامی، دکتر ابوالحسن محمدی، چاپ پنجم دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۵- حقوق مدنی - عقد ضمان، دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، شرکت سهامی انتشارات کتابهای جیبی، سال ۱۳۵۲.
- ۱۶- مباحثی از اصول فقه، سید مصطفی محقق داماد، دفتر دوم، چاپ ۱۳۶۳.
- ۱۷- بررسی فقهی مسأله بیمه، آیت الله شهید مرتضی مطهری، ۱۳۶۱، انتشارات میقات تهران.
- ۱۸- مقالات حقوقی، دکتر ابوالقاسم گرجی و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۹- مکتبهای حقوق اسلام، دکتر جعفر جعفری لنگرودی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۰.

## ب - کتب عربی

- ۱- شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ابوالقاسم نجم الدین جعفر ابن حسن (محقق حلی) تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۹ هـ. ق.
- ۲- بحوث فقهیه - آیت الله شیخ حسین حلی، دارالزهرا بیروت، ۱۴۰۵ هـ. ق.
- ۳- التأمین و موقف الشریعه الاسلامیه منه، محمد السید الدسوقی، دارالتحریر للطبع و النشر، ۱۳۸۷ هـ. ق.
- ۴- منهاج الصادقین - آیت الله سید محسن حکیم - نجف اشرف، جلد ۲، چاپ هفتم.
- ۵- عقود التأمین من وجهه الفقه الاسلامیه - دکتر محمد بلتاجی، دارالمعروف الكويتیه، چاپ ۱۴۰۲ هـ. ق.
- ۶- الوسیط، دکتر عبدالرزاق احمد السنهوری، جلد هفتم، جزء دوم، چاپ ۱۹۶۴ میلادی.
- ۷- التأمین نظریه و تطبیقا، محامی جلیل قسطو، بیروت، دارالصادق.
- ۸- جامع الثنات، ابوالقاسم بن الجیلانی معروف به میرزای قمی، تهران، انتشارات رضوان.
- ۹- الاسلام وقضا یا الساعه، علامه موسی عزالدین، بیروت، دارالاندلس، چاپ اول.

۱۳۸۶ هـ.ق.

۱۰- التأمینات - شیخ محمد احمد فرج السنهوری، قاهره، مجمع البحوث، سال ۱۹۷۲ میلادی.

## ب - مجلات و نشریات

- ۱- مجله کنفرانس فقه اسلامی، ۱۴۰۵ هـ.ق. مکه چاپ رابطہ العالم الاسلامی ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۲- نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره اول، سال ۱۳۵۵.
- ۳- مجله حقوقی و قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال اول، شماره اول ۱۳۷۰.

